

عید نوروز فارسی یا ایرانی نیست



در کتاب اوستا هیچ سخنی از نوروز به میان نیامده

بهار بایرامی

”تزه ایل بایرامی“ ، ”بایرام“ ، ”یئنگی ایل“

نوروز جشنی مربوط به پیش از آمدن فارس‌ها به این سرزمین است

شم‌النسیم یا جشن بهار

که فارسها به آن نوروز میگویند این جشن بسیار قدیمی تر از آمدن فارسها به ایران است

ایام دیگر نوروز را در درباری

مانند دربار شاهنشاهان ساسانی راه نبود و فقط سالی یکبار برای تسلیت مردمی مغلوب و ماتم زده پدیدار می شد

هخامنشیان

بسیاری چیزها را از ملل تحت فرمان خود اقتباس کردند و از جمله آن ها یکی هم سال شماری خورشیدی بود که احتمالاً پس از تصرف مصر بدست کمبوجیه (۵۲۹ تا ۵۲۲ پیش از میلاد) از مصری ها آموختند

حالا می دانیم که نام ماهها در تقویم هخامنشی ، با نام های اوستایی که در دوره اشکانی و ساسانی رواج داشت (فروردین ، اردیبهشت ، خرداد ، تیر ...) فرق می کرد ؛ مثل اودکن ئیش که برابر فروردین بود و ثور واهر که با اردیبهشت همزمان بود همچنین روز نخست سال برابر بود با آغاز پاییز و این سنتی بود که هخامنشیان از بابلی ها به ارث برده بودند. در بابل همچنین، آغاز زمامداری شاهان، مبدأ تاریخ بود و چون از مبدأ تاریخ هخامنشیان آگاهی چندانی نداریم، برخی پژوهشگران احتمال داده اند که هخامنشیان نیزمانند بابلی ها ، آغاز سلطنت شاهان را مبدأ تاریخ قرار می دادند

«شم النسیم»

یک نوع جشن بهار است و اگر «شم النسیم» را تحت اللفظی ترجمه کنیم، معنی آن چیزی می شود مثل «هواخوری» یا بهتر بگوییم «از نسیم لذت بردن در این روز مردم از زن و مرد و کودک و بزرگ برای خود نوشیدنی و غذا بر می دارند و از خانه بیرون می روند. آنها تمام روز را در ساحل رود نیل بسر می برند. در آنجا آنها همه مردم با هم آواز می خوانند و می رقصند و شادی می کنند سیزده بدر تقلیدی از این مراسم است

در روز ششم النسیم که مردم با هم جشن می گیرند خیلی شیرینی خورده می شود. و دیگر اینکه همه مردم با هم جشن می گیرند. در آن روز گروه هایی تشکیل می شوند که به هم شیرینی و خوراکیهای دیگر تعارف می کنند و بعد رقص دسته جمعی آغاز می شود. یک نوع رقص دایره که بیشتر مردها انجام می دهند و معنی آن نشان دادن توان طبیعت است در ارتباط با طبیعت تازه بیدار شده است پژوهش هایی انجام گرفته و تصاویری پیدا شده که حکایت از برگزاری این جشن در دوره باستان دارد

در این کشورها روز ۲۱ مارس، یعنی اول فروردین نه تنها فرا رسیدن بهار جشن گرفته می شود، بلکه آن روز، روز مادر نیز است. این روز در سوریه و لبنان تعطیل رسمی است. در این روز فرزندان خانواده جشن بزرگی برای مادر خود برگزار می کنند و به او هدیه می دهند. غیر از این سنت خانه رویی و تمیز کردن خانه بصورت گسترده ای در سوریه و لبنان وجود دارد. مردم خانه ها را تمیز و آنرا سفید می کنند و این هم نماد نو شدن خانه برای مادر است

آشوریان که میان ایرانیان بیشتر به آسوری شهرت دارند، از اول آوریل (دوازدهم فروردین) سال 6757 را آغاز کرده اند و به مدت دوازده روز سال نوی خود را که مبنای آن بر تشکیل تمدن باستانی آشور نهاده شده، جشن می گیرند

عید سال نوی آشوریان، «خا ب نیسان» یعنی آغاز نیسان یا همان ماه آوریل میلادی نامیده می شود

موطن اصلی آشوریان شمال عراق، شمال غرب ایران، جنوب شرق ترکیه و بخشهایی از شرق سوریه است

که بنابر آمار، شمار آشوریان از 27 میلیون در سطح جهان به ششصد هزار نفر رسیده که عمده آن به دلیل مهاجرت و حل شدن در میان دیگر ملت‌های مسیحی است

فارس‌های باستان سال نو را همزمان با نوروز آشوری شروع میکردند و تقلید میکردند

آشوریان ایران عمدتاً در استان آذربایجان غربی، بویژه شهرستان‌های سلماس و ارومیه ساکنند اما در دیگر شهرهای ایران نیز پراکنده شده اند

آشوریان از نخستین اقوامی اند که به مسیحیت گرویدند و خود می گویند که در زمان حیات عیسی مسیح، آشوریان مسیحی شده اند

آنان اکنون از لحاظ مذهبی به چهار فرقه تقسیم می شوند؛ آشوریان پیرو کلیسای شرق آشوری که در گروه مسیحیان ارتدکس طبقه بندی می گردند و در گذشته های دور نسطوری خوانده می شوند، آشوریان کاتولیک که کلدانی نامیده می شوند و آشوریان پروتستان که بخشی از آنان پیرو کلیسای انجیلی اند

آشوریان به زبانی سخن می گویند که یادگار زبان باستانی تمدن آشور است که زبان عربی نیز در آن ریشه دارد، تا آنجا که در زبان امروز آشوریان واژه هایی که شباهت به واژه های عربی داشته باشند زیاد به گوش می رسند
این شباهت در خط آشوری نیز به چشم می خورد

فارسها نوروژ را مثل بقیه چیزهائی مثل غذا ها موسیقی و تاریخ و غیره از ملت های دیگر دزدیده اند و به اسم خود جا میزنند
فارسها در خارج از کشور عید سال نو سال نو فارسی مینامند غذاهای ملل مختلف ایران را غذاها ی فارسی مینامند فرشها ی بافته شده توسط ملل غیر فارس ایران را فرشهای فارسی مینامند حتی گربه ها را نیز گربه های فارسی مینامند و در این راه تاریخ نویسان خارجی مشکوک نیز یار و یاورشان هستند
احیاء نوروژ در دوره اسلامی

با وجود این نوروژ از زمان مأمون، خلیفه عباسی، کم و بیش زنده شد
گذشته از عباسیان که نوروژ را به هر صورت محترم می داشتند، حکومت های ایرانی که در نواحی مختلف بر سر کار آمدند از آن جمله سامانیان 261 تا 389 ق (و آل بویه (320 تا 448 ق) در خراسان و شمال و جنوب ایران در زنده نگهداشتن نوروژ کوشیدند

بشر از هزاران سال پیش گاهشماری می کرده و اقوام متمدن ساکن در بین النهرین جزء اولین مردمانی بوده اند که آغاز سال نو را جشن گرفته اند. سومریان پنج هزار سال پیش و بابلیها دو هزار سال پیش از میلاد مسیح، جشن سال نو

داشته اند. در تقویم بابلی، سال نو با رویت هلال ماه نو، بعد از اعتدال بهاری آغاز می شد و جشن آن تا یازده روز ادامه داشت. در روزهای آخر این جشن، یک سفره همگانی به نشانه همدلی همه افراد قوم در سال جدید، گسترده می شد در مصر باستان مردم به همراه فرعون، سال نو را جشن می گرفتند. مصریان از نقش یک کودک به نشانه نو شدن سال استفاده می کردند. یونانیان باستان نیز با به نمایش گذاشتن یک کودک در یک سبد، الهه شراب را در آغاز سال نو ستایش می کردند این نشانه ای از باروری و حیات دوباره طبیعت بود در کشورهای آسیای میانه خیابانها و معابر را می آرایند. در مزار شریف افغانستان، علامتی را که منسوب به حضرت علی می دانند، بلند می کنند و این علم تا چهل روز برافراشته باقی می ماند. در پاکستان روز عید آتش روشن می کنند و با این کار بدیها را می سوزانند. علوی های کرد ترکیه نوروز را به عنوان تولد حضرت علی جشن می گیرند

حایاتینیز روزگارگیبی اوزگور، آتش گیبی سیجاق

قورد گیبی اوغورلو، سو گیبی آیدین و توپراق گیبی برکتلی اولسون